

# راز پیروزی‌های شگفت‌آور امام خمینی

## جلوه‌های توکل بر خدا

## در سیره‌رهربر کبیر انقلاب اسلامی

حجت‌الاسلام محمد خردمند

إِلَّا مَنْ عِنْدَ اللَّهِ ﴿آل عمران / ۱۲۶ و انفال / ۱۰﴾، از فرزندان اسلام و قوای سلحشور مسلح که دست قدرت حق از آستین آنان بیرون آمد و... و ندای «الله اکبر» را در خرمشهر عزیز طنین‌انداز کرد... تشکر می‌کنم. و... آنان به آرم ما ﴿رَمَيْتْ إِذْ رَمَيْتْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ رَمَى﴾ (انفال / ۱۷) مفتخرند... (صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۲۵۷)

بر طبق آنچه گذشت می‌توان گفت که این کلام، درست و بجا و دانستنی است که:

«عارف حقیقی مثل امام خمینی علیه‌السلام رفتار می‌کند که هیچ‌گاه «من» نمی‌گفت. آن بزرگوار پیوسته مسائل را به خدای متعال منتسب می‌کرد و می‌فرمود: خدا این ملت را پیروز کرد، خدا این انقلاب را به پیروزی رساند و خدا خرمشهر را آزاد کرد. چنین کسی را اگر بگویند به‌طور دائمی توجهش به خداست، می‌توان پذیرفت و باور کرد...» (در جستجوی عرفان اسلامی، استاد محمدتقی مصباح یزدی، ص ۲۱۰–۲۰۹)

۴. بر همین اساس است که حتی گنجینه لغات او نیز تعریف می‌شود و پرتکرارترین واژگان در فرهنگ او کلماتی ویژه است:

«اگر فردی سخنرانی‌های امام را از آغاز تاانجام نهضت، واژه‌شماری کند، درمی‌یابد که در کلام امام، هیچ کلمه‌ای به‌اندازه واژگان مقدس اسلام، قرآن، خداوند تبارک و تعالی و... تکرار نشده است. این واژگان تکیه کلام ایشان بود. ذکر این الفاظ تصنعی نبود؛ بلکه از عمق جان و دل برمی‌آمد. او هدفی جزاسلام و رضای خدا نداشت. او می‌کوشید تا جامعه خویش را خدایی، اسلامی و معنوی به‌بار بیاورد. وی دراین راه، طرح‌ها و برنامه‌هایی را با الهام الهی و فراست خدادادی اجرا کرد. هنگامی که همه مردم حتی خوش‌باورترین افراد ناامید شده بودند، خدا او را به پیروزی رساند؛ با این‌که کشورهای دنیا، به او اجازه اقامت یا حتی ورود نمی‌دادند!» (سیری در ساحل، بینش و منش امام خمینی علیه‌السلام، استاد محمدتقی مصباح یزدی، ص ۵۸)

۴•۱. آری هیچ‌کس باور نمی‌کرد که روزی ایران بدون شاه باشد و بتواند، زنده و بانشاط زندگی کند و بزرگ‌ترها با شگفتی می‌گفتند: مگر می‌شود که مملکت بدون شاه باشد؟! ولیکن او همواره باور داشت که ما با مدد الهی می‌توانیم. این کلام امام است که می‌گفت: «شاه باید برود. آتی که فایده دارد، کلیدش دست خود «اعلی‌حضرت همایونی» است! هیچ‌کس نمی‌تواند. و آن این است که ایشان پا شود برو! [خنده حضار.] کلید دست خودش است. اگر بخواهد آرامش پیدا بشود! ایشان دست زن و بچه‌اش را بگیرد، برود از این مملکت! او [نجات بدهد خودش را؛... ان‌شاءالله خداوند شما را موفق بدارد. ان‌شاءالله پیش ببرید، پیروز بشوید. پیروزید شما؛ یعنی تاالآن پیروزید. لازم نیست که او برود، شما این را از تختش پایین کشیدید؛ این الان سر تخت دیگر نیست؛ این حالا دائماً به این و آن مشتبّث می‌شود. من میل ندارم بعضی تشبّثاتش را بگویم. من میل ندارم بگویم؛ اما دائماً در تشبّث است. شما این را از آن مرتبه بالای «آریامهر» کشیدید پایین؛ آوردید او را در مراتب پایین که الان مشغول تشبّث به این– به گولی‌ها– تشبّث می‌کند! این پیروزی شماس‌ت و خداوند شما را پیروز کند و به نهایت این پیروزی برسید که این ملت، یک ملت مظلومی بوده تا حالا و این ملتی است که زیر پا و چکمه‌های خارجی و داخلی تاکنون دست و پا می‌زده است و ان‌شاءالله خداوند موفق کند شما را و همه ما را به اینکه نجات بدیم این ملت را.» (صحیفه امام، ج ۴، ص ۲۹۳–۲۹۲)

مقصود امام از اینکه «شاه باید برود»، براندازی نظام سلطنتی بود؛ همان‌طور که خودش تصریح کرد:

«مطلب ما این نیست که شاه برود بیرون مملکت؛ مطلب ما سقوط شاه است از سلطنت و اینکه می‌گوییم شاه برود؛ یعنی سلطنت نداشته باشد؛ نه برود تفریح! و مطلب دوم این است که رژیم شاهنشاهی یک رژیمی است که مقبول ملت نیست و از اول هم یک مطلب غلطی بوده و مطلب ثالث این است که ما می‌خواهیم، یک حکومت عدل بر قوانین اسلام در ایران حکم‌فرما باشد.» (صحیفه امام، ج ۵، ص ۳۶۰)

البته شواهد بسیار فراوانی بر حضور عنصر توکل بر خدا و امیدواری پایان‌ناپذیر به عنایات الهی در سراسر زندگی و مبارزات امام خمینی علیه‌السلام وجود دارد که در اینجا به بخش اندکی از آن اشاره شد. پژوهشگرانی که در زمینه سبک مدیریتی و الگوی رهبری حضرت امام خمینی پژوهش کرده‌اند، سرانجام به این نتیجه مهم و سرنوشت‌ساز رسیده‌اند که:

«در الگوی رهبری امام خمینی علیه‌السلام، خداوند، محور و اساس همه تلاش‌ها و کوشش‌هاست. مطابق این سبک، موفقیت رهبری در همه شرایط و موقعیت‌ها، بستگی به میزان توجه و اهمیت‌ی دارد که رهبر نسبت به خداوند مبذول می‌دارد...» (مدل رهبری امام خمینی (الگوی برای مدیران در نظام اسلامی)، دکتر لطف‌الله فروزنده دهکردی، دکتر میرزاحسن حسینی و دکتر محمد ترکمنی، ص ۲۵۹).



هرچند همان‌طور که حضرت امام خامنه‌ای بیان کرده، مکتب امام خمینی علیه‌السلام یک مجموعه کامل است و شامل ابعاد گوناگون مانند معنویت، عقلانیت و عدالت می‌شود و همه این ابعاد اساسی در رفتار و سیره عملی ایشان تجلی یافته است (اقتباس از بیانات مقام معظم رهبری در سالگرد رحلت امام خمینی در سال ۱۳۹۰ش.)؛ ولیکن در این مقال به نکته‌ای توجه می‌کنیم که شاید بتوان آن را راز پیروزی‌های بزرگ و شگفت‌آور امام خمینی علیه‌السلام نامید:

در زندگی و قیام آن عالم ربانی و استاد اخلاق، فقیه عادل و نظریه‌پرداز ولایت فقیه و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و فیلسوف بت‌شکن یعنی حضرت امام خمینی علیه‌السلام، مجموعه‌ای از پیروزی‌هایی بزرگ مشاهده می‌شود که در باور انسان عادی نمی‌گنجد و آدمی را سخت شگفت‌زده می‌کند. این پیروزی‌ها را هیچ تحلیل‌گر سیاسی حتی احتمال هم نمی‌داد و هرگز امید‌ی به آن نبود، ولی علی‌رغم همه تحلیل‌های عادی و مادی، به‌فضل الهی واقع شد و چشم‌های مسلمانان را خیره کرد و دل‌های مؤمنان را امیدوار و استوار ساخت. اکنون که سال‌ها از آن دوران گذشته است و بیم آن می‌رود که برخی از آن حوادث عبرت‌انگیز و سرنوشت‌ساز به فراموشی سپرده شود، مروری بر آن لحظه‌های آسمانی شاید بتواند خاطره‌ها را تجدید کند و غبار از روی آیینه آن روزهای خدایی برزاید و تردیدها و شبهه‌ها را برطرف سازد و بیداری و هوشیاری را به ارغمان آورد.

۱• امام خمینی از صمیم قلب، توحید را باور داشت و خدای حکیم را همه‌کاره هستی و سرچشمه هر حرکت و برکت و پیروزی می‌دانست و ایمان کامل به توحید افعالی داشت و به‌همین جهت می‌توان گفت که او مدعی نبود؛ بلکه عارفی راستین بود که به‌راستی خدا را شناخت و به او ایمان آورد و خود را و سراسر هستی را در برابر او هیچ می‌دید و دست عنایت الهی را همواره مشاهده می‌کرد. خاطره‌ای که استاد شهید مطهری علیه‌السلام نقل کرده، شاهدهی بر تأیید این حقیقت است:

«دوستانی که در دوره قم بودند، می‌دانند که من لاقلاً ۱۲ سال در خدمت ایشان تحصیل کرده‌ام؛ باز در سفری که به پاریس رفتم، چیزهایی از روحیه این مرد کشف کردم که نه‌تنها برایمان من بلکه بر حیرت من افزود. وقتی که برگشتم، رفقا پرسیدند: چه دیدی؟ گفتم: چهارتا «آمن» دیدم: «آمنِ پَهْدِیّه»؛ به هدفش ایمان دارد. دنیا جمع بشوند، نمی‌توانند او را از هدفش منحرف کنند. «آمنِ پَسَبِیلِه»؛ به راهی که برای هدف خودش انتخاب کرده، ایمان دارد؛ امکان ندارد، [بتوان] او را از این راه منصرف کرد؛ شبیه همان ایمانی که پیغمبر به هدفش و به راه خودش داشت. «آمنِ بَقْوَمِه»؛ من دیدم در همه رفقا و دوستانی که من سراغ دارم، احدی به‌اندازه ایشان به روحیه مردم ایران ایمان ندارد. افرادی به ایشان می‌گویند: کمی آرام‌تر، مردم سرد م‌شوند، مردم از پا درمی‌آیند. می‌گوید: مردم این‌طور نیستند که شما می‌گویید. من مردم را از شما بهتر می‌شناسم. از همه بالاتر: «آمنِ بَرّه»؛ در جلسه خصوصی ایشان به من گفت: «فالای این ما نیستیم [که این نهضت را ایجاد کرده‌ایم]؛ من دست خدا را حس می‌کنم.» آدمی که دست خدا و عنایت خدا را حس می‌کند و در راه خدا قدم برداشته، مصداق آن اصل قرآنی است: ﴿إِنْ تَنصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ...﴾ (مجموعه آثار استاد شهید مطهری (آینده انقلاب اسلامی ایران)، ج ۲۴، ص ۱۳۳–۱۳۲).

۲• امام خمینی علیه‌السلام رمز پیروزی را ایمان و اعتماد بر خدای قادر متعال می‌دانست. او باور داشت که به‌عنوان مثال در ماجرای شکست آمریکا در طبس، شن‌ها مأمور خدا بودند. عبارات امام بسیار روشن و تأثیرگذار است:

از سوی مؤسسه فقهی دارالفقلین امام عصر علیه‌السلام برگزار شد

### نشست علمی ترویجی تأثیر جامعه بر فقه با تأکید بر آرای امام خمینی



کرسی علمی ترویجی با عنوان «تأثیر جامعه بر فقه با تأکید بر آراء امام خمینی علیه‌السلام» با ارائه حجت‌الاسلام والمسلمین محمدباقر ربانی و ناقدی حجت‌الاسلام والمسلمین سعید فاقدی و دبیری حجت‌الاسلام والمسلمین حسینی، به‌میزبانی مؤسسه دارالانقلین امام عصر علیه‌السلام و با همکاری مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم‌السلام در قم برگزار شد.

در ابتدای این جلسه، حجت‌الاسلام والمسلمین محمدباقر ربانی، به ارائه دیدگاه خود در زمینه موضوع کرسی پرداخت.

حجت‌الاسلام والمسلمین ربانی در ابتدا، با اشاره به برخی مبانی کلان فقهی امام خمینی علیه‌السلام گفت: از جمله مبانی مهم حضرت امام علیه‌السلام در زمینه فقه، می‌توان به اعتقاد به جامعیت دین و وجود احکام اجتماعی در دین، عدم اکتفا به اجتهاد اصطلاحی، ضرورت نگاه نظام‌مند به فقه، نقش زمان و مکان در اجتهاد و توجه به نقش مصلحت اشاره نمود.

مدیر گروه فقه جامعه و فرهنگ مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم‌السلام در ادامه، تأثیر جامعه بر فقه را تبیین نمود و افزود: با پیشرفت و توسعه جامعه، قلمروی فقه نیز توسعه پیدا می‌کند و با پیچیده‌شدن شرایط اجتماعی، موضوعات و یا مصادیق جدیدی برای احکام ایجاد خواهد شد که سابقاً وجود نداشته‌اند. به اضافه اینکه جامعه می‌تواند موجب دگرگونی در ملاک حکم و یا کشف مصادیق جدید برای ملاک حکم باشد؛ حتی جامعه می‌تواند در شرایط خاص، مانند وهن دین، نسبت به اجرای احکام، حالت بازاندزگی داشته باشد.

وی اضافه کرد: توجه به تأثیر جامعه بر توسعه قلمروی فقه و حضور فقه در بررسی مسائل اجتماعی و تقابل فقه فردی و اجتماعی مربوط به دوران جدید است.



سپس حجت‌الاسلام والمسلمین سعید فاقدی به نقد مطالب وی پرداخته و بیان کرد: امام خمینی علیه‌السلام معتقد بودند: سرشت انسان، علت تشکیل جامعه است و از طرف دیگر امام بزرگوار، فقه را تتوری واقعی و کامل اداره انسان می‌دانستند؛ لذا اگر فقه بخواهد انسان را اداره کند، نمی‌تواند تعامل انسان و جامعه را لحاظ نکند؛ لذا جامعه در شکل‌گیری تمام مراحل فقه تأثیر به‌سزایی داشته است.

وی در ادامه بیان کرد: این تأثیرپذیری مربوط به دوران جدید نیست؛ بلکه فقه ما همواره بر فرهنگ عمومی جامعه و عرف مردم؛ چه در فهم از ادله و نصوص و چه در ناحیه ادله فقهی توجه داشته است و این موضوع با توجه به تعریف فقها از عرف، به ادبیات اصولی همان تأثیر عرف و سیره عقلا بر فقه است. اگرچه فقها از کلمات فقه فردی و اجتماعی استفاده نکرده‌اند؛ اما با بررسی آثار فقهی، مانند موارد به‌کارگیری قاعده اختلال نظام در ساحت‌های اجتماعی، مشخص است که فقها به این نکات توجه داشته‌اند.

حجت‌الاسلام والمسلمین سعید فاقدی ادامه داد: جامعه از مرحله ملاکات و جعل و تا نحوه بیان و اجرای حکم، در فقه مؤثر بوده است و فقه بر اساس همین تأثیر، نگارش و تکمیل شده است؛ البته باید توجه داشت که این تأثیر به نحو اقتضاء و جزء علت می‌باشد؛ در یک نظام مبتنی و حاکم بر فهم دین و شریعت و قواعد مربوط به زبان‌شناسی و بعد از تفقه کامل در اصول فقه و ممارست با فهم ادله نقلی و اجتهادی، قابل اعمال خواهد بود.

لازم به ذکر است که سلسله نشست‌ها و کرسی‌های علمی ترویجی فقهی به‌میزبانی مؤسسه دارالانقلین امام عصر علیه‌السلام تحت اشراف آیت‌الله محسن فقیهی و همکاری دیگر مراکز تخصصی فقهی، به‌صورت ماهانه برگزار می‌گردد.